

قیمت نان نماد چیست؟

راه‌حل در سیاست و بازسازی اعتماد است. تا روزی که این ترس وجود دارد که حوادث ۹۶ و ۹۸ و ۴۰۱ تکرار شود سیاست‌گذاری واقعی و علمی قفل است. قیمت نان نماد این واقعیت است.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در یادداشتی نوشت: امید نانا فقط و فقط به فهم و درک بالای شما است و از اینکه با ما همکاری می‌کنید سپاسگزاریم. متن مهمی است. نقد نانا به ماجرا هم درست است. مشتری هم حق داشت. متهم اصلی در آن میدان غایب بود. همیشه نسبت به قیمت نان، انرژی و پزشک حساس بوده‌ام. با قیمت نمی‌توان بازی کرد. اتفاقا با این سه کالا بیش از هر چیز دیگری بازی می‌کنند. اینها هیچ‌کدام مختص این دولت نیست از ابتدای انقلاب بوده.

قیمت‌گذاری یعنی چه؟ با هزار بدبختی نفت را تولید کرده و می‌فروختیم با دلار آن گندم وارد می‌کردیم. با هزار بدبختی می‌آوردیم در سیلوه‌ها و سپس آرد کرده و به نانا داده و او هم با بدبختی به صورت کم‌کیفیت تولید و به مردم می‌دهد، مردم هم حق انتخابی ندارند و صدای‌شان در نمی‌آید. در بدترین حالت به مردم می‌گویند نخر و نان را خشک و ضایعاتی کرده و با قیمت بالاتر از نان تازه می‌فروخت. نان کپک می‌زد و می‌دادیم گاو بخورد تا شیر دهد. البته طبعا همه نان‌ها این‌گونه نبود ولی این فرآیند نشان‌دهنده واقعیت مهمی بود. واقعیت سیاست‌گذاری در ایران.

زمانی در دوره اصلاحات این مساله در مورد نان تا حدود زیادی حل شد. همین نیروهای موجود مانع از اجرای حل مشکل سوخت شدند و برنامه چهارم را تغییر دادند تا انجام نشود. حالا دوباره به بدترین شکل شاهد اوج‌گیری ماجرای نان و سوخت و تا حدی پزشکان هستیم. سال گذشته گام‌های بی‌ثمری را برای اصلاح یارانه‌های نان برداشتند که در عمل به رانتهی برای واردکنندگان پوزهای پرداخت تقلیل پیدا کرد و نتیجه دیگری نداشت. در چند سال اخیر و با اوج‌گیری تورم بالای ۴۰ درصدی طی ۵ سال و به علاوه امسال، دولت جرات اصلاح قیمت انرژی و نان را ندارد و این کار را با فشار به تولیدکننده نهایی انجام می‌دهد او هم با انواع ترندها می‌کوشد که این مشکل را دور بزند. نتیجه چه خواهد بود؟ تقابل مردم با یکدیگر و تنش‌های شدید روانی که فقط برای پایین نگه داشتن نرخ تورم از طریق مهار قیمت نان انجام می‌شود. مهاری که دیر یا زود و به علت ناترازی شدید قیمتی، غیرممکن خواهد شد و همین الان هم هزینه‌های پنهان زیادی دارد که به صورت تخلف یا اتلاف منابع در آن دیده می‌شود.

واقعیت این است که به لحاظ اخلاقی نمی‌توان از افزایش قیمت نان دفاع کرد، چون در این شرایط فشار تورمی و گرانی مواد غذایی و برنج و حبوبات و ماکارونی سهم نان در تامین کالری مورد نیاز مردم فقیر بیشتر و تعیین‌کننده شده است و هیچ وجدانی رضایت نمی‌دهد که بار بیشتر گرانی به طبقات فقیر تحمیل شود و با وجود و گسترش فقر باید به فکر مردم بود. از سوی دیگر به وضوح می‌بینیم که توازن قیمت‌ها بیش از تحمل اقتصاد و در حال بهم خوردن است. قیمت ناموس اقتصاد است و این وضعیت به طور قطعی به زیان اقتصاد و مردم است. دولتی‌ها هم این را خوب می‌دانند. هم درباره نان و هم انرژی و بنزین. پس چرا نمی‌توانند کاری کنند؟ کارهایی هم که در این دو سال کردند شکست خورد. چه طرح آزمایشی که در کیش برای پرداخت مستقیم یارانه بنزین دادند و چه اقداماتی که برای نان انجام دادند. هر دو شکست خوردند به همین دلیل مسکوت گذاشتند. راه‌حل در سیاست و بازسازی اعتماد است. تا روزی که این ترس وجود دارد که حوادث ۹۶ و ۹۸ و ۴۰۱ تکرار شود سیاست‌گذاری واقعی و علمی قفل است. قیمت نان نماد این واقعیت است. حتی سال گذشته هم که ارز ۴۲۰۰ را اصلاح کردند نتوانستند به صورت صحیح انجام دهند آن را نصفه نیمه انجام دادند که به مرور شکاف قیمتی آن بیشتر شد.

منبع: اعتماد